

# کتابنامه الکترونیکی

پرسمان (۲۰)

سیاسی

ویژه مسؤلان و هادیان سیاسی



معاونت سیاسی

نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

اسفند ماه ۱۳۹۷

۲۰

## در این شماره می‌خوانید:

۱. پیام‌های سفر مهم بشار اسد به تهران و دیدار با مقام معظم رهبری و رئیس جمهور
۲. نقش کشورهای غربی در جنایت علیه یمن و میزان فروش سلاح های غربی به عربستان
۳. علت و ابعاد انتخاب شاهزاده «ریمابنت بندر بن سلطان بن عبدالعزيز آل سعود» به عنوان اولین سفیر زن عربستان در آمریکا با رتبه وزیر جانشین خالد بن سلمان
۴. دیدار رهبران آمریکا و کره شمالی برای دومین بار و دلایل شکست آن
۵. دلیل اصلی شروع دور جدید تنش‌ها در روابط دو کشور هند و پاکستان و ورود به فاز نظامی
۶. گشایش کنسولگری عربستان در سوریه و دلایل عقب نشینی بزرگ از سوی عربستان
۷. اهداف دولت انگلیس از اقدام اخیر خود مبنی بر قرار دادن شاخه سیاسی حزب‌الله لبنان در لیست گروه‌های تروریستی

## ۱- بشار اسد اخیرا برای نخستین بار از سال ۲۰۱۰ به تهران سفر و با مقام

### معظم رهبری و رئیس جمهور دیدار کردند. این سفر چه پیام های مهمی داشت؟

«بشار اسد» رئیس جمهور سوریه ۶ اسفند به تهران سفر کرد و با حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران و دکتر حسن روحانی رئیس جمهور ایران دیدار کرد. این سفر دومین سفر خارجی بشار اسد از سال ۲۰۱۱ و شروع بحران این کشور به شمار می رود. اهمیت این سفر آنچنان بود که رسانه های معتبر جهان به سرعت آن را پوشش داده و نشانگر تحولی در بحران سوریه دانستند. در هشت سال گذشته بشار اسد تنها یک بار در سال ۲۰۱۷ به روسیه سفر کرده بود. نکته مهم در سخنان رهبر معظم انقلاب این بود که ایشان بشار اسد را قهرمان جهان عرب خواندند. اما اهمیت سفر بشار اسد به تهران چیست و چه پیام های منطقه ای دارد؟

### - تثبیت سیاسی و نظامی دولت سوریه و آغاز سفرهای خارجی

یکی از مهم ترین پیام های سفر بشار اسد به تهران مخابره این پیام به کشورهای منطقه ای است که دولت سوریه از مرحله بحران عبور کرده و ثبات سیاسی و میدانی در این کشور حاکم شده است. معمولا روسای دولت ها در هر کشوری که دچار بحرانی مانند سوریه می شوند به دلیل حساسیت های امنیتی کشور را به هیچ عنوان ترک نمی کنند. به همین دلیل مادامی که سوریه درگیر نبرد با تروریست ها بود بشار اسد به عنوان رئیس دولت در ۸ سال گذشته تنها یک بار به روسیه سفر کرد. سفر اخیر وی به تهران تأکیدی بر پایان بحران سوریه و ورود این کشور به دوران بازسازی و فرایند سیاسی است. این مسئله شکست بزرگی برای جبهه غربی-عربی-عبری است که در ۸ سال گذشته رویای برکناری بشار اسد و ساقط کردن نظام قانونی این کشور را داشتند.

### - تجلیل از خدمات ایران در مبارزه با تروریسم

ایران در ۸ سال گذشته به روش های مختلف همگام با دولت سوریه علیه تروریست های مستقر در خاک این کشور مبارزه کرده است. به گونه ای که با همکاری ایران، روسیه و حزب الله لبنان در کنار ارتش سوریه داعش و دیگر گروه های تروریستی در این کشور شکست خوردند. مقامات سوریه بارها ایران را به عنوان مهمترین شریک خود در این مبارزه ۸ ساله معرفی کرده اند. بنابراین رئیس جمهور سوریه به نمایندگی از مردم کشورش آمده بود تا از حمایت های بی دریغ ایران در این جنگ خانمانسوز و ویرانگر تشکر کند. او که بارها بر حمایت های ایران تأکید داشت، در این دیدار نیز این مساله را مورد تأکید دوباره قرار داد.

### - پاسخی به حامیان جدایی تهران و دمشق

در یک سال اخیر جبهه ضد مقاومت پس از ناکامی در طرح اولیه خود مبنی بر ساقط کردن نظام سوریه و قطع کردن کمربند محور مقاومت سعی داشته اند تا به نوعی به روش های مختلف به دنبال تضعیف اتحاد ایران و سوریه باشند. در این مسیر فشارهای زیادی هم بر دولت سوریه صورت گرفت و رژیم صهیونیستی بارها به مواضع دولت سوریه حمله کرد و به نوعی این پیام را به بشار اسد داد که تازمانی که ایران در سوریه باشد این حملات ادامه خواهد داشت. امید اسرائیل این بود که دمشق در برابر این فشارهای تسلیم شود و از ایران به

تدریج فاصله بگیرد. اما سفر بشار اسد به تهران پایانی بر پروژه یک ساله حامیان تروریست ها در سوریه بود و بشار اسد با این سفر این پیام را داد که روابط دو کشور راهبردی بوده و دو کشور عمق راهبردی یکدیگر هستند.

### - واکنش قاطع به ایجاد منطقه امن در سوریه

آمریکا در درجه اول طرح ساقط کردن نام سوریه را اجرا کرد. پس از شکست در این پروژه، تجزیه سوریه را دنبال کرد اما این فتنه نیز با ناکامی مواجه شد. تربیت نسل جدید تروریست ها در سوریه نیز طرح دیگر آمریکا است؛ پایگاه خبری «العهد» در گزارشی اعلام کرده روانشناسان آمریکایی در شرق سوریه در حال اجرای طرح بازتولید داعش برای ۱۰ سال آینده هستند. اما یکی از مهم ترین طرح های آمریکا برای سوریه پس از شکست طرح ساقط کردن نظام سوریه، ایجاد منطقه امن است. ایجاد منطقه امن با هدف فراهم کردن زمینه برای ایجاد فشار سیاسی و نظامی بر دمشق است و آمریکا سعی دارد از این طریق در سوریه حضور خود را تثبیت کند. دولت «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا به تازگی اعلام کرده است که قصد دارد تا ۴۰۰ نفر از نظامیان آمریکایی را در سوریه نگه دارد که پایگاه نظامی «التنف» در مرز سوریه - عراق از جمله این موارد است. هدف آمریکا این است که ارتباط میان تهران با دمشق با بغداد را دشوار کند و رهبر معظم انقلاب ایران هم در جریان گفت و گو با بشار اسد به این موضوع اشاره کرد. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با بشار اسد نسبت به این توطئه هشدار دادند. ایشان پیروزی جریان مقاومت در سوریه را موجب عصبانیت آمریکایی ها و تلاش آنان برای طراحی توطئه های جدید دانستند و با اشاره به نمونه ای در این زمینه گفتند، مسئله منطقه حائل که آمریکایی ها در سوریه به دنبال ایجاد آن هستند، از جمله این توطئه های خطرناک است که باید با قاطعیت آن را رد کرد و در مقابل آن ایستاد. صحبت صریح، شفاف و روشن رهبر انقلاب در این مورد عملاً آب پاکی را روی دست همه طرف ها ریخت، ایران و سوریه موافق نباشند، هیچ طرحی شدنی نیست. آمریکایی ها، ترک ها، کردها و تروریست های چند ملیتی که امیدوار بودند جایی در این منطقه حائل پیدا کرده حالا باید دوباره برنامه ریزی کنند که باید چه تصمیمی بگیرند.

## ۲ - نقش کشورهای غربی در جنایت علیه یمن چیست و میزان فروش سلاح های غربی به عربستان چقدر

است؟

جنایت چهار ساله ائتلاف سعودی علیه یمن باعث به وجود آمدن بزرگترین تراژدی قرن ۲۱ شده است. قحطی، انتشار بیماری های واگیردار، تعداد بالای شهدا و نابودی زیرساخت های این کشور حاصل این تجاوز عربستان و امارات به یمن است. اما عربستان و امارات به عنوان دو کشور اصلی متجاوز به یمن به تنهایی قادر به تحمیل این فاجعه بر مردم یمن نبوده و تنها به مدد حمایت های سیاسی و تسلیحاتی کشورهای غربی در چهار سال گذشته به جنایت های خود ادامه داده اند. نگاهی به سطح این حمایت های به خوبی موید این امر است.

کشورهای غربی به روش های مختلف در جنایت علیه یمن به متجاوزان کمک کرده اند. قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری تسلیحاتی آمریکا با عربستان در خردادماه ۹۶ باعث شد که آل سعود با جسارت بیشتری به افراط گری های منطقه ای خود ادامه دهد. علاوه بر این از سال ۲۰۱۵ به بعد صادرات سلاح انگلیس به عربستان ۵۰۰ درصد افزایش یافته است. در جریان سفر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به انگلیس، لندن قرارداد فروش ۴۸ جنگنده تایفون به عربستان به مبلغ ۱۴ میلیارد دلار را امضا کرد و در مجموع، یک قرارداد ۸۵ میلیارد دلاری را با سعودی ها در این سفر امضا کرد. بزرگترین قحطی قرن در یمن در سایه حمایت های تسلیحاتی غرب به عربستان صورت گرفته است.

میزان صادرات سلاح از آمریکا به عربستان در دوره ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ یعنی سه سال نخست جنگ یمن بیش از ۴۳ میلیارد دلار بوده است. این سلاح ها شامل تجهیزات نظامی، هلیکوپتر، ناوچه های جنگی، تانک های آبرامز و هواپیماهای جنگی هستند. صادرات سلاح انگلیس در این دوره هم به ۱۳ میلیارد دلار رسیده است. عربستان بزرگترین خریدار سلاح های انگلیس است. در میان کشورهای اروپایی طبق اعلام مجله فوربس انگلیس بزرگترین فروشنده سلاح به عربستان است. پس از انگلیس، فرانسه در جایگاه دوم قرار دارد و از سال ۲۰۱۴ تاکنون حدود ۴۷۵ میلیون دلار سلاح به عربستان فروخته است. آلمان سومین کشور اروپایی است که به عربستان سلاح صادر کرده است. آلمان تنها در سال ۲۰۱۸، ۴۶۲

میلیون دلار سلاح به ریاض داده است. در واقع عربستان پس از الجزایر دومین مشتری بزرگ سلاح های آلمانی است. کشورهای دیگر اروپایی، به ترتیب میزان فروش سلاح به عربستان به ترتیب زیر هستند: ایتالیا، کرواسی، سوئد، بلژیک، اسلواکی، جمهوری چک و اسپانیا.

اخیرا روزنامه لومانیته در مقاله ای به قلم استفان ابوآر به همدستی اروپایی ها با عربستان در جنایات ائتلاف عربی در یمن و کشتار غیرنظامیان پرداخت. این نشریه فرانسوی نوشت، کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکی پس از دیگری در ازای فروش سلاح، تسلیم عربستان می شوند. به صورت کلی ۶۰ درصد میزان واردات سلاح به عربستان از آمریکا، ۲۳ درصد از انگلیس، ۵ درصد از فرانسه، و ۱۲ درصد باقیمانده نیز از دیگر کشورهای اروپایی تامین می شود. همچنین تازه ترین گزارش کارزار تبلیغاتی علیه تجارت اسلحه انگلیس (CAAT) نشان می دهد که عربستان سعودی طی یک دهه گذشته بالغ بر ۸۵ میلیارد دلار سلاح از کشورهای غربی خریداری کرده است. استفاده از سلاح های ممنوعه در یمن برای سعودی ها آزاد است و آمریکایی ها و انگلیسی ها به هر میزان که آل سعود بخواهند در یمن از آنها استفاده کنند، تسلیحات ممنوعه در اختیارشان قرار می دهند و در عین حال چشم خود را روی جنایات متجاوزان سعودی می بندند.

در واقع کشورهای غربی به عنوان شرکای اصلی جنایت های عربستان و امارات به شمار می روند. تشدید اعتراض ها علیه جنایت ها در یمن به ویژه پس از آنکه محمد بن سلمان به عنوان قاتل خاشقجی در جامعه جهانی معرفی شد تشدید شده است. به همین دلیل تقاضاهای زیادی برای تحریم تسلیحاتی عربستان صورت گرفته و کشوری مانند آلمان مجبور شده است برای فرار از این رسوایی به صورت محدود صادرات سلاح به عربستان را تحریم کند. وزارت اقتصاد آلمان درخواست تهدید آمیز اخیر انگلیس برای توقف تحریم های تسلیحاتی علیه عربستان را رد کرده و اعلام کرد که موضع دولت آلمان در این باره واضح است. "جرمی هانت"، وزیر امور خارجه انگلیس در نامه تهدیدآمیزی به هایکو ماس، همتای آلمانی خود این انتقاد را وارد کرده است که با سیاست هایش به صنعت تسلیحات انگلیس آسیب وارد می کند. در این نامه آمده است، از آنجا که قطعات یدکی ساخت آلمان برای جنگنده ها یا موشک ها دیگر مجوز صدور به عربستان سعودی را ندارند، شرکت های بریتانیایی نمی توانند به سفارش های خود عمل کنند. در انگلیس نیز نمایندگان پارلمان این کشور خواستار تحریم تسلیحاتی عربستان هستند. در قطعنامه اخیر نمایندگان پارلمان اروپا نیز آمده که سلاح های اروپایی فروخته شده به عربستان به جنگ در یمن دامن زده است. اعضای پارلمان اروپا در بخش دیگری از این قطعنامه از فروش سلاح به عربستان به عنوان عامل تحت الشعاع قرار گرفتن تلاش های اتحادیه اروپا برای کنترل فروش سلاح یاد کرده اند. سابین لوزینگ، نماینده آلمانی پارلمان اروپا در مورد قطعنامه تصویب شده اظهار داشت: «سلاح های اروپایی در یمن به طور اساسی مسئول جنگی هستند که روی داده است.» مردم ایتالیا نیز دی ماه ۹۷ در اعتراض به ادامه فروش سلاح ها و تجهیزات نظامی این کشور به رژیم عربستان، تظاهرات کردند. حتی شرکت «ریتون» آمریکا در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ از توقف فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی به عربستان سعودی خبر داد.

اما با این وجود دولت های غربی همچنان به دنبال فروش بیشتر سلاح به عربستان به دلیل دلارهای نفتی این کشور است. دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا بارها در برابر اعتراض مردم و نمایندگان کنگره آمریکا مبنی بر تحریم تسلیحاتی عربستان مخالفت کرده و اعلام داشته که منافع ما ایجاب می کند همچنان به عربستان سلاح بفروشیم. ترامپ تنها در یک قرارداد در سال ۹۶ توانست امتیاز فروش ۱۱۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان را کسب کند.

کشورهای غربی در شعارهای انتخاباتی خود همواره سعی دارند خود را به عنوان حامیان حقوق بشر معرفی کنند. مضحک بودن این شعار بارها به اثبات رسیده است. اما نکته مهم این است که این کشورها با چراغ سبز خود در درجه اول باعث شروع تجاوز ائتلاف سعودی به یمن شدند و در ادامه نیز با افزایش فروش انواع سلاح های مدرن به عربستان و امارات باعث خلق بزرگترین تراژدی قرن ۲۱ شده اند.

### ۳- ملک «سلمان بن عبدالعزیز» پادشاه عربستان طی فرمانی شاهزاده خانم «ریما بنت بندر بن سلطان بن عبدالعزیز آل سعود» را به عنوان سفیر عربستان در آمریکا با رتبه وزیر جانشین خالد بن سلمان تعیین کرد. ریما اولین سفیر زن در تاریخ عربستان به شمار می رود. علت اصلی انتخاب نخستین سفیر زن در عربستان چیست؟

#### - تلاش بن سلمان برای فرار از انزوا

برخلاف آنچه تصور می شود محمد بن سلمان ولیعهد سعودی نه تنها شاهزاده ای با افکار اصلاح گرایانه نیست بلکه به شدت روحیه دیکتاتور و اقتدار طلبی دارد. اما مقتضیات زمان باعث شده است که وی برای رسیدن به تخت پادشاهی شعارهای اصلاح طلبانه را به عنوان ابزار خود در جهت نوفقیت انتخاب کند. اما روزهای خوب بن سلمان به زودی پایان یافت و دوران فرود ولیعهد جوان سعودی شروع شد. قتل جمال خاشقجی رونامه نگار سعودی در استانبول تیر خلاصی به اصلاحات بن سلمان بود. ولیعهد سعودی که سپس از این قتل سفرهای اروپایی زیادی داشته و سعی کرد خود را در نگاه جامعه غربی به عنوان بنیانگذار عربستان نوین مطرح کند اکنون در انزوایی شدید گرفتار شده است. وی برای رهایی از این انزوا در درجه اول تور عربی خود را با سفر به کشورهای مهمی مانند تونس و مصر شروع کرد که در این سفرها با مخالفت قاطع مردم مواجه شد و حتی وی را ولیعهد اره به دست (اشاره به قتل خاشقجی با اره) خطاب کردند. پس از این ناکامی وی به نشست جی ۲۰ در آرژانتین رفت اما در آنجا نیز عمق انزوای خود را بیشتر حس کرد. سرانجام وی تور آسیایی خود را با سفر به پاکستان آغاز کرد و در ادامه به هند و چین رفت. حتی شدت اعتراضات مردمی باعث شد وی سفر به اندونزی و مالزی را لغو کند. در واقع بن سلمان اکنون هم در انزوا قرار گرفته و هم از طرف غربی ها به عنوان قاتل خاشقجی مطرح است. حتی کنگره آمریکا نیز خواستار تحریم تسلیحاتی عربستان به دلیل این قتل شده است. بنابراین اقدامات بن سلمان در دوران پسا خاشقجی بیشتر منفعلانه و واکنشی بوده است و سعی دارد تا بار دیگر بتواند خود را به عنوان شاهزاده محبوب غربی ها تبدیل کند. از این رو وی دست به تابو شکنی زده و ریما بنت بندر را به عنوان نخستین سفیر در تاریخ عربستان انتخاب کرده است. در واقع ماموریت اصلی ریما بنت بندر این است تا چهره ترسیم شده از بن سلمان را در آمریکا و غرب ترمیم کند. ریما به خوش زبانی و تسلط به زبان انگلیسی مطرح است و بررسی چند نشست خبری وی این مسئله را تایید می کند.

#### - ترمیم روابط عربستان و آمریکا

یکی از مهم ترین دلایل سردی روابط عربستان و آمریکا در برهه کنونی این است که خالد بن سلمان سفیر سابق عربستان را یکی از عوامل اصلی قتل خاشقجی می دانند. روزنامه 'واشنگتن پست' پیشتر فاش کرد که خالد چند روز قبل از به قتل رسیدن خاشقجی با او تماس تلفنی داشته و از او خواسته که به کنسولگری عربستان در استانبول مراجعه کند. شک و تردید درباره دخالت او در این جنایت بعد از آن بیشتر شد که خالد دقیقا یک روز بعد از به قتل رسیدن خاشقجی محل ماموریت خود در واشنگتن را ترک کرد و هرگز به این کشور بازنگشت. یک روزنامه قطری هم فاش کرد، او از بیم دستگیری، خاک آمریکا را ترک کرده است. در این شرایط ملک سلمان با برکناری پسر خود از سفارت در عربستان سعی کرده است تا پیامی مهم به آمریکا دهد. این پیام هم این است که عامل این سردی روابط برکنار شده است و جانشین وی نیز دقیقا همراستا با سیاست های واشنگتن است. خانم ریما بنت بندر بن سلطان بیشتر سال های عمر خود را در فضای سیاسی آمریکا سپری کرده به طوری که دختر دیپلماتیک کهنه کاری است که به «پدر خوانده روابط عربستان و آمریکا» ملقب است چون طولانی ترین مدت خدمت در واشنگتن را دارا است.

در واقع ریما بنت بندر در شرایط کنونی به دنبال همان نقشی است که پدرش ایفا کرد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر عربستان به عنوان عامل این حملات متهم شد. این مسئله باعث تنش در روابط واشنگتن و ریاض شد. بندر بن سلطان سفیر سعودی برای حمایت از موضع عربستان و بهبود وجهه این کشور در نزد متحد آمریکایی تلاش فراوان کرد. بندر رابطه قوی و تاریخی با دولت آمریکا بویژه رابطه بسیار قوی با خانواده جرج بوش دارد و حتی به دلیل چنین رابطه ای

«بندر بوش» هم لقب گرفته است. در شرایط کنونی دختر بندر می تواند اعتماد مجدد آمریکا به عربستان را جلب کرده و روابط دو کشور را ترمیم کند.

#### - فرار از پیامدهای سرکوب زنان

محمد بن سلمان هرچند در دوران ولیعهد خود به ظاهر آزادی های زیادی به زنان عربستان داده است اما موج فرار زنان از عربستان شدت بیشتری گرفته است. دستگیری زنان و حتی تهدید به اعدام باعث شده است تا حتی زنان سعودی نیز بن سلمان را چندان جدی نگیرند. از این رو انتخاب ریما بنت بندر به نوعی واکنشی به این شرایط است. ریما بنت بندر یک شاهدخت اصلاح طلب و لیبرال است. ریما پیش از این پست ریاست اداره زنان سازمان ورزش عربستان را به عهده داشت و دختر شاهزاده خانم «هیفا الفیصل» دختر «فیصل بن عبدالعزیز» پادشاه اسبق عربستان است و بیش از دو دهه در آمریکا در دوره ای که پدرش شاهزاده بندر سفیر کشورش در واشنگتن بود زندگی کرد. همچنین شاهزاده «سعود الفیصل» وزیر خارجه سابق عربستان دایی وی به شمار می رود. ریما پیش تر در بخش خصوصی کار می کرد و سپس به اداره ورزش عربستان پیوست. او از جمله حامیان افزایش حضور زنان در میدان های ورزشی و بهبود حقوق زنان در این کشور است. بنابراین انتخاب چنین شخصیتی را می توان به معنای تلاشی از سوی بن سلمان در جهت فرار از پیامدهای سرکوب زنان دانست.

بدون شک انتخاب ریما بنت بندر به عنوان نخستین سفیر زن یک انتخاب کارشناسانه نبوده است. چرا که قطعاً زنان بیشتری در عربستان حضور دارند که هم سابقه فعالیت سیاسی دارند و هم تحصیلات مرتبط تری با پست سفارت عربستان در آمریکا دارند. ریما بنت بندر بدون سابقه هرگونه فعالیت سیاسی چه در داخل و چه در خارج ماموریتی سخت یافته تا بن سلمان را از انزوای کنونی نجات دهد و روابط بین عربستان و آمریکا را بار دیگر عادی کند.

#### ۴ - روز چهارشنبه و پنجشنبه (۸ و ۹ اسفند) رهبران آمریکا و کره شمالی برای دومین بار با یکدیگر

##### دیدار کردند. اما بر خلاف انتظار این دیدار موفقیت آمیز نبود. دلیل شکست این در چیست؟

دیدار دونالد ترامپ و کیم جونگ اون در ۸ و ۹ اسفند هشت ماه پس از دیدار نخست در سنگاپور، در هانوی پایتخت ویتنام انجام شد. اولین دور دیدارها در هانوی روز چهارشنبه برگزار شد و قرار بود پس از پایان دیدارها در پنجشنبه، یک توافق امضا و بیانیه مشترکی قرائت شود. اما ماجرا پیچیده تر از برخی خوش بینی ها بود و نشست ترامپ و کیم در هانوی عملاً شکست خورد. درباره چرایی شکست این مذاکرات هر کدام از طرفین روایت خود را دارند. ترامپ در یک کنفرانس خبری کوتاه که پس از پایان زود هنگام مذاکرات او با کیم جونگ اون برگزار شد، درخواست کیم برای رفع کامل تحریم ها علیه کره شمالی را علت اصلی شکست مذاکرات دانست. ترامپ گفت ما خواستار تخریب کامل تاسیسات اتمی "یونگ بیون" بودیم و کیم برای این کار اعلام آمادگی کرد اما در ازای آن او خواهان رفع کامل تحریم های کره شمالی بود. رئیس جمهور آمریکا اضافه کرد: «تخریب تاسیسات اتمی "یونگ بیون" برای لغو همه تحریم های کره شمالی کافی نبود. آنها می خواستند که همه تحریم ها برداشته شود، اما ما نمی توانستیم این کار را انجام دهیم. ما ناگزیر بودیم که مذاکرات را ترک کنیم.» وزیر خارجه کره شمالی که در مذاکرات دو روزه سران دو کشور در «هانوی» ویتنام حضور داشته، در همین شهر به اظهارات مقام های آمریکایی درباره اینکه درخواست پیونگ یانگ برای رفع همه تحریم ها سبب شکست مذاکرات شده، واکنش نشان داد و آن را رد کرد. ری یونگ هو در یک کنفرانس خبری در هانوی گفت که کره شمالی تنها به دنبال رفع بخشی از تحریم ها بوده است.

##### درباره چرایی شکست این مذاکرات و پیامدهای آن چند نکته قابل ذکر است؛

- مذاکرات میان کره شمالی و آمریکا دارای ابعاد و پیچیدگی های بسیاری است. پیچیدگی هایی که باید در نشست های کارشناسی فشرده و طولانی و دور از جنجال های رسانه ای حل و فصل شود. دیدارهای سطح بالایی مانند سنگاپور و هانوی برای رسانه ها و کمپین های تبلیغاتی شاید مناسب باشد اما برای حل پرونده ای به این میزان از پیچیدگی مناسب نخواهد بود.

مهم ترین نکته و بحثی که از اولین دیدار ترامپ و کیم مطرح بوده و همچنان پاسخ دقیق و مورد اجماعی درباره آن وجود ندارد، تعریف «اتم زدائی» است. کره شمالی خواهان «اتم زدائی» از کل شبه جزیره کره و حتی ژاپن است و آمریکا آن را محدود به کره شمالی می داند. چگونگی این روند و مراحل حرکت به سوی آن نیز مورد اختلاف است و توافقی درباره آن وجود ندارد. این مسئله مذاکرات را بشدت پیچیده می کند.

کره شمالی توانایی هسته ای خود را یک تضمین امنیتی می داند و حتی آن را در قانون اساسی خود نیز گنجانده است. از منظر پیونگ یانگ این توانایی در واکنش به چتر اتمی آمریکا بر سر کره جنوب و ژاپن بوده و برای امنیت کره شمالی حیاتی است. در چنین شرایطی دست کشیدن این کشور از این توانایی اتمی خود که خواسته اصلی آمریکاست، اگر محال نباشد، بسیار سخت و دشوار خواهد بود. کره شمالی به خوبی می داند کارتی که در دست دارد چقدر ارزشمند است و نباید آن را ارزان بفروشد.

به تازگی مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در این باره که چرا برای توافق با ایران ۱۲ شرط گذاشته ولی برای کره شمالی شرطی نگذاشته است، به سی.بی.اس گفته بود، قبلا گفته ام که هر کدام را با شرایط ممکن پیش می بریم. کره شمالی امروز سلاح اتمی و قدرت نظامی دارد که به ایالات متحده می تواند برسد.

ترامپ انتظار دارد اول کره شمالی دست از توانایی هسته ای خود برداشته و سپس برخی از تحریم ها را لغو کند. او در پایان دیدار کوتاه شده خود با کیم جونگ اون آشکارا به این نکته اشاره کرد و گفت آمریکا بر خلاف آنچه کره شمالی انتظار دارد، نمی تواند در مرحله کنونی به مجازات ها پایان دهد اما در مقابل کره شمالی نیز می داند که تضمینی در این مورد وجود ندارد و خواهان اقدامات متناظر و همزمان است. خواسته ای که آمریکا حاضر به تن دادن به آن نیست.

اگر چه نشست هانوی به توافق منجر نشد و طرفین شکست آن را اعلام و سعی کردند یکدیگر را عامل عدم توافق معرفی کنند اما این نشست یک پیروز سیاسی داشت و آن هم کیم جونگ اون بود. یک کارشناس روابط بین الملل در این خصوص به رادیو بین المللی فرانسه می گوید اگر این دیدار برای کیم جونگ اون یک موفقیت تلقی می شود، زیرا او با رئیس جمهوری آمریکا گفتگو کرده و در این مذاکرات از مواضع خویش نیز عقب ننشسته، برای دونالد ترامپ بودن تردید یک شکست است، زیرا به آنچه در جستجوی آن بوده دست نیافته است.

آیا شکست هانوی به معنای پایان مذاکرات دو طرف است؟ خیر. کره شمالی و آمریکا هر کدام انگیزه های خاص خود را برای ادامه مذاکرات دارند. دولت ترامپ با مشکلات خاص و سنگین داخلی مواجه است و دستیابی به یک توافق هسته ای با کره شمالی، برای آن بسیار ارزشمند است. کره شمالی نیز با ادامه مذاکرات چهره خود را در جامعه جهانی ترمیم می کند و اتهامات را از خود دور می سازد و برای خود اعتبار سیاسی کسب می کند.

نکته فرامتن این نشست، سنگینی سایه فرجام برجام بر مذاکرات آمریکا و کره شمالی است. پیونگ یانگ نتیجه دو سال مذاکرات ایران و آمریکا را پیش روی خود دارد. به آمریکایی که به راحتی زیر تعهدات خود زده، هر روز بهانه جدیدی می گیرد و به راحتی از توافقی با چنین مختصاتی خارج شده و خواهان امتیازات جدید می شود، چگونه و چرا باید اعتماد کرد؟ «سوزان دی مگیو» تحلیل گر آمریکایی می گوید: «در مذاکرات غیررسمی که من با مقام های کره شمالی داشته ام آنها همواره به مسئله برجام اشاره می کنند.» اگرچه برخی ها در ایران از برجام درس نگرفته و دنبال برجام ۲ و ۳ هستند اما کره شمالی از آن عبرت گرفته و به دنبال توافق به هر قیمتی نیست.

## ۵ - تنش میان هند و پاکستان اخیرا وارد فاز نظامی شده و دو کشور علیه یکدیگر اقداماتی نیز انجام

دادند به گونه ای که تهدید شروع یک جنگ نیز بسیار پررنگ بود. دلیل اصلی شروع دور جدید تنش ها در

### روابط دو کشور چه بود؟

ماهتما گاندی، پس از استقلال هند در ۱۹۴۷، برای آن که از جدا شدن پاکستانی ها جلوگیری کند، حاضر شد تا قوه مجریه را به محمد علی جناح بدهد ولی در این راه موفق نبود و پاکستانی ها نهایتا، از هند جدا شدند. این جدایی چندان بدون تنش نبود و دهلی و اسلام آباد را وارد سیری سرد و گاه پر تنش از روابط کرد. اینک بار دیگر زخم کهنه میان دو



طرف، باز هم در اصلی ترین نقطه تنش یعنی کشمیر سر باز کرده است. درگیری نظامی بار دیگر، رخ داده و طبق گزارش ها، شدید هم بوده و بسیاری را نگران امنیت شبه قاره کرده است.

این دوره از درگیری ها میان هند و پاکستان، با حمله هوایی هند به کشمیر تحت کنترل پاکستان آغاز شده است. در ۱۴ فوریه گذشته، بمبگذاری در یکی از مقرهای پلیس هند باعث کشته شدن ۴۰ افسر شد. با گذشت چند ساعت، گروه موسوم به "جیش محمد" مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت که بیشترین تلفات نیروهای مسلح این کشور در منطقه کشمیر به طور کلی محسوب می شود. دهلی ۱۲ روز بعد، در پاسخ، جنگنده هایش را روانه کرد و محل تجمع اعضای این گروه را هدف قرار داد. منابع هندی مدعی شدند که در جریان این حمله، ۳۰۰ "تروریست" کشته شدند. ظرف چند دقیقه، خبر ساقط کردن یک جنگنده پاکستانی و دو جنگنده هندی در صدر گزارش رسانه ها قرار گرفت. سپس نوبت به حملات خمپاره ای پراکنده شد و همچنین اخبار ضد و نقیضی از تیر اندازی مرزبانان دو کشور به یکدیگر رسید.

متاثر از این درگیری ها، سازمان هوانوردی پاکستان، تمامی خطوط هوایی خود را تا اطلاع ثانوی مسدود کرد. این دستور شامل تمامی هواپیماهای عبوری از آسمان پاکستان می شد، حتی آن هایی که قصد عبور از گوشه ای از آسمان پاکستان را داشتند. در مقابل، هند هم ۵ فرودگاه خود را تعطیل و شمار زیادی از پروازهای خود را لغو کرد. این اقدامات نگرانی ها برای گسترش یافتند نبرد میان دو طرف را تعمیق بخشیده و به گمانه زنی ها در خصوص احتمال ادامه یافتند درگیری افزوده است.

### سابقه درگیری میان دو کشور

طی ۷۰ سالی که از استقلال دو کشور می گذرد، ۳ بار به طور رسمی و ۱ بار غیر رسمی میان آن ها درگیری نسبتاً شدید نظامی رخ داده است. در این میان، دو درگیری بر سر کشمیر بوده است. سال ۱۹۹۹ دو طرف با وجود درگیری سنگین به طور رسمی اعلام جنگ نکردند. سال ۲۰۰۲ هم در پی حمله تروریستی به ساختمان پارلمان هند از سوی گروه های پاکستانی، دو طرف تا مرز جنگ پیش رفتند. گذشته از تمام این ها، اصولاً بروز درگیری مرزی میان دو کشور چندان خبر کمیابی نبوده و نیست.

### درگیری میان دهلی و اسلام آباد و نفعی که ریاض می تواند ببرد؟

درگیری میان هند و پاکستان در حالی رخ داده که ولیعهد سعودی، در کمتر از ۱۰ روز پیش از آن، به هر دو سفر داشته و به یکی وعده سرمایه گذاری ۲۰ میلیارد دلاری و به دیگری ۱۰۰ میلیارد دلاری داده است. خاندان سعودی با توجه به دیدگاه های مثبتی که برای خود در دهلی و اسلام آباد کسب کردند، اکنون می توانند به عنوان یک میانجی وارد عمل شوند. اگر این میانجیگری مورد پذیرش قرار گیرد، موفقیتی بزرگ برای عربستان در شبه قاره است و آن را به عنوان یک قدرت دیپلماتیک موثر در این ناحیه جلوه خواهد داد. نکته قابل توجه هم این است که سازش میان دو طرف چندان کار سختی نیست و در واقع، وجود دارد زیرا هر دو، در اظهارات خود تصریح کرده اند که خواهان از بین بردن تنش ها هستند. بنابراین، بن سلمان می تواند به اصطلاح، روغن ریخته را نذر امامزاده کند و این فرصتی است که باید دید آیا سعودی ها از آن بهره خواهند برد یا خیر.

### بحران تا کجا پیش خواهد رفت؟

با توجه به گفته های عمران خان، محتوای بیانه های وزارت خارجه هند، توانمندی هسته ای دو طرف و البته اظهارات مقامات چین، روسیه و آمریکا، احتمال گسترش درگیری ها بسیار پایین است و تحول خاصی متصور نیست. کشمیر همچنان، زخمی کهنه و مزمن در روابط میان دو طرف باقی خواهد ماند و احتمالاً بازهم شاهد وقوع برخی درگیری ها در آینده خواهیم بود. اما شاید مهم ترین نتیجه این دور از تنش ها، فشار بر اسلام آباد برای محدود کردن گروه های شبه نظامی حوزه کشمیر باشد. هند با همراهی آمریکا، این بار خواهان تضمین های جدی برای عدم تکرار سناریوهایی از قبیل حمله به ساختمان پارلمان یا بمبگذاری در مقر پلیس خواهد بود. در نهایت نیز تنش بین دو کشور با تحویل خلبان دستگیر شده هندی به دهلی به پایان رسید.

## ۶ - عربستان اخیراً کنسولگری خود در سوریه را باز کرده. این مسئله یک عقب نشینی بزرگ از سوی

### عربستان به شمار می رود. دلیل این مسئله چیست؟

عربستان به عنوان مهمترین کشور حامی تروریست ها در سوریه و تامین کننده نیازهای مالی و تسلیحاتی تروریست ها برای نبرد با مردم سوریه سرانجام پس از ۸ سال اولین قدم برای عقب نشینی از توطئه های خود در مورد سوریه برداشت. عربستان یک کنسول و دو کارمند را به سفارت خود در دمشق فرستاده است. اطلاعات نشان می دهند که هنوز سفارتخانه عربستان به روی مراجعه کنندگان باز نشده است اما فرستادن کنسول و کارمندان نشان دهنده یک تغییر است و احتمالاً تحولی در موضوع اجازه دادن به سوری ها برای به جا آوردن مناسک حج امسال باشد. در واقع این نخستین قدم برای عقب نشینی های بعدی عربستان به شمار می رود و باید در آینده منتظر باز شدن سفارت عربستان در سوریه بود. «عادل الجبیر» وزیر مشاور در امور خارجه عربستان نیز بازگشایی سفارت این کشور در سوریه را مشروط به پیشرفت روند سیاسی عنوان کرده است. این مسئله خود تاییدی بر این مدعاست که عربستان به دنبال بازنگری در موضع خود در مورد سوریه است. عربستان سعودی در حالی یک فرد به عنوان کنسول و ۲ کارمند را به سفارتخانه ریاض در دمشق اعزام کرده است که پیشتر بارها و در مناسبت های مختلف مخالفت قاطع خود برای از سرگیری روابط دیپلماتیک با دمشق را تکذیب کرده بود. اما چرا عربستان گام نخست در عقب نشینی از مواضع ۸ ساله در مورد سوریه را برداشت؟

عربستان را به عنوان عامل اصلی گسترش بحران در سوریه می دانند. چرا که علمای وهابی با فتوای جهاد و "جنگ مقدس" هزاران سعودی را به سوریه اعزام کردند و دولت این کشور نیز کمک های مالی و تسلیحاتی زیادی در اختیار تروریست ها قرارداد. علاوه بر این گروه های تروریستی فتوای خود را از آموزه های وهابیت می گرفتند. در واقع عربستان در ۸ سال گذشته با حمایت های مالی و تسلیحاتی نقش مهمی در طولانی شدن بحران سوریه داشته است. عربستان از نخستین کشورهایایی بود که سفارتخانه خود را در دمشق تعطیل کرد و نقش اصلی را در قطع روابط کویت و بحرین با سوریه نیز ایفا کرد.

عربستان با وجود تمام توطئه ها و نقشه هایی که در مورد سوریه در ۸ سال گذشته اجرا کرده است اکنون به دنبال عقب نشینی از تمای این توطئه ها است. اما دلیل این امر چیست؟

یکی از مهم ترین دلایل عقب نشینی عربستان از طرح های خود علیه سوریه شکست مرحله نظامی است. در واقع با اعلام پایان داعش در سوریه عملاً پروژه نظامی علیه دمشق شکست خورده است و اکنون تنها ادلب به عنوان مهم ترین منطقه اشغال شده در دست گروه های تروریستی باقی مانده است و شروع عملیات آزاد سازی این شهر نیز به زودی خواهد بود. عربستان در این راستا تلاش دارد تا طرح های خود علیه سوریه را به روز رسانی کرده و از راه های دیگری به دنبال ضربه زدن به محور مقاومتی باشد که سوریه به عنوان کمر آن معروف است. بنابراین دلیل نخست عقب نشینی عربستان در برابر سوریه شکست طرح های ۸ ساله این کشور علیه دمشق است.

مسئله دیگر مربوط به بازسازی در سوریه است. عربستان پس از شکست در طرح های مختلف منطقه ای خود اکنون به دنبال آن است تا به نوعی از راه های دیگر به مسائل مهم منطقه ورود پیدا کند و از این طریق بتواند با دشمنان و رقبای خود مقابله کند. بازسازی سوریه یکی از مهم ترین فرصت ها برای اجرای نقشه های دیگر عربستان است. از یک طرف نیاز شدید سوریه به سرمایه گذاری خارجی برای بازسازی می تواند به عنوان فرصتی برای اقتصاد عربستان باشد که با کسری بودجه بالای ۷۰ میلیارد دلاری مواجه است و از سوی دیگر همیشه راه های اقتصادی فرصت مناسبی برای نفوذ سیاسی به شمار می رود. عربستان این نقشه را از سال ۹۶ اجرا کرده است. در همین ارتباط پس از اعلام آزادسازی کامل شهر رقه، «برت مک گورک» نماینده آمریکا در ائتلاف به اصطلاح ضد داعش، به همراه «تامر السبهان» وزیر مشاور در امور خاورمیانه عربستان وارد شهر رقه شدند. حضور تامر السبهان، وزیر جنجالی سعودی در شهرک عین العرب سوریه در حومه الرقه، اولین ظهور علنی یک مقام سعودی در منطقه تحت سیطره گروه های مسلح گردی در سوریه قلمداد می شد. در شرایط کنونی نیز عربستان سعی دارد با توجه به نیاز بیش از ۳۰۰ میلیارد دلاری سوریه به سرمایه گذاری در این کشور سرمایه گذاری کند. البته هدف عربستان در درجه اول سرمایه گذاری اقتصادی نبوده بلکه این می تواند تبدیل به ابزار و شیوه جدیدی

برای فشار بر دمشق در جهت برخی اهداف سعودی باشد. عربستان پیش از این نیز برای نفوذ در عراق، وعده هزینه مبلغی بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار برای سرمایه گذاری در این کشور و بازسازی شهرهای سنی نشین آن مانند فلوجه، رمادی، تکریت را داده بود. در واقع به نظر می رسد با انتخاب ابراهیم العساف به عنوان وزیر خارجه عربستان که متخصص در امور اقتصادی است رویکرد اقتصادی بر رویکرد سیاسی در رفتار منطقه ای عربستان غالب شود و به همین دلیل توطئه های جدید عربستان علیه محور مقاومت را باید بیشتر در زمینه اقتصادی جستجو کرد. سفر اخیر بن سلمان ولیعهد سعودی به هند، پاکستان و چین به عنوان شرکای اقتصادی ایران و وعده سرمایه گذاری کلان عربستان در این کشور ها را نیز باید گامی در جهت توطئه اقتصادی علیه محور مقاومت دانست.

نکته مهمی که در این مورد وجود دارد لزوم هوشیاری دولت سوریه است. در واقع هرچند نیاز شدید سوریه به سرمایه گذاری برای بازسازی باعث خواهد شد تا دمشق از همه کشورها در این مورد کمک بخواهد اما نباید از توطئه های جدید جبهه غربی-عربی-عبری در مورد خود غافل باشد. در واقع از این جبهه که در ۸ سال گذشته تمام توان خود را برای تجزیه و ساقط کردن نظام سوریه به کار گرفته اند و حتی اخیرا توطئه ایجاد منطقه امن را در دست بررسی دارند نباید انتظار کمک صادقانه داشت. عربستان همانطور که از طریق خرید زمین های جنوب عراق و کمک به عشایر این کشور به دنبال نفوذ و تاثیرگذاری منفی در این کشور بوده در سوریه نیز دقیقا به دنبال اهداف مشابهی خواهد بود. در واقع دمشق باید در امر بازسازی بین کشورهای دوست و دشمن تفاوت قائل شده و محوریت در امر بازسازی را به متحدین خود دهد. چرا که در غیر این صورت سوریه به عرصه ای برای اجرای توطئه های جدید علیه دمشق در قال و پوشش بازسازی و سرمایه گذاری خواهد بود.

روند عقب نشینی کشورهای عربی در برابر سوریه با سرعت در حال جریان است. از آذرماه ۹۷ نشانه های واضحی درباره تمایل کشورهای عربی به احیای روابط سیاسی و دیپلماتیک با سوریه آشکار شده است. در ۱۶ دسامبر، عمر البشیر، در اقدامی قابل توجه، به عنوان نخستین رهبر عربی به سوریه سفر و با همتای سوری خود، بشار اسد، دیدار کرد. بازگشایی سفارتخانه های امارات و بحرین و نیز بازگشایی گذرگاه مرزی بین سوریه و اردن، در کنار سفر البشیر به سوریه، گمانه زنی هایی در خصوص گرم شدن روابط دولت سوریه با کشورهای عربی مطرح کرده است. حضور سوریه در نشست پارلمان های عربی نیز گام بزرگ کشورهای عربی برای عادی سازی با سوریه به شمار می رود. نشست اتحادیه پارلمان های عربی برای اولین بار بعد از هشت سال با حضور سوریه در اردن برگزار شد. به طور کلی، برخی ناظران بر این باورند، کشورهایی که بر براندازی نظام سوریه شرط بندی کرده بودند، اکنون شکست این شرط بندی را درک می کنند. با خروج آمریکا از سوریه، کشورهای عربی احساس می کنند که شرایط برای گسترش نفوذ ایران و ترکیه در سوریه فراهم شده است، آن ها به دنبال این هستند که با دادن امتیازات سیاسی به سوریه و شکست انزوای آن، دمشق را به خود نزدیک کنند و توطئه های خود را در پوشش دیگری انجام دهند.

## ۷- دولت انگلیس اخیرا در اقدامی خصمانه شاخه سیاسی حزب الله لبنان را در لیست گروه های

### تروریستی قرار داده است. اهداف انگلیس از این اقدام چیست؟

دولت انگلیس اخیرا در اقدامی خصمانه شاخه سیاسی حزب الله لبنان را در لیست گروه های تروریستی قرار داده است. این در حالی است که دولت انگلیس در سال ۲۰۰۸ نیز شاخه نظامی حزب الله لبنان را در فهرست گروه های تروریستی قرار داده بود. این اقدامات دولت انگلیس موجی از شادی را در اردوگاه های آمریکا و صهیونیسم حاکم ساخت.

واقعیت آن است که اقدام انگلیس علیه حزب الله لبنان با نقش آفرینی گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. آمریکایی ها مدت هاست که حزب الله لبنان را در سطوح مختلف مورد تحریم قرار داده و نام این گروه را در فهرست گروه های تروریستی درج کرده اند. آمریکا همواره فشارهای زیادی را بر کشورهای غربی برای تبعیت آن ها از اقدام خود علیه حزب الله اعمال کرده است. چهار ماه پیش بود که «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا در راستای تشدید فشارها بر حزب الله لبنان قانون افزایش تحریم ها علیه این گروه مقاومت را به امضاء رساند. پس از امضای این قانون ظالمانه کاخ سفید

با صدور اطلاعیه‌ای تأکید کرد که با قانون جدید، یکی از تاریخی‌ترین تحریم‌ها علیه حزب‌الله اعمال شده است. در حال حاضر نیز آمریکا پیرو فشارهای ماه‌های اخیر بر حزب‌الله لبنان، برای تکمیل پازل خود در این عرصه به تقلا افتاده و دولت انگلیس را مجاب کرده تا با قرار دادن نام حزب‌الله در لیست گروه‌های تروریستی، زمینه مناسب برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه این گروه توسط واشنگتن و متحدان غربی‌اش را فراهم آورد.

از کنار نقش‌آفرینی مؤثر آمریکا در اقدام اخیر دولت انگلیس علیه حزب‌الله که بگذریم، نمی‌توان نقش رژیم صهیونیستی در این رویداد را نادیده انگاشت. درهمین ارتباط، «نضال السبع» تحلیلگر لبنانی مسائل سیاسی معتقد است: «اسرائیل برای محاصره ایران و حزب‌الله در سوریه تلاش می‌کند و بدون شک اقدام اخیر لندن علیه این گروه نمی‌تواند بی‌ارتباط با تلاش‌های تل‌آویو علیه مقاومت در لبنان باشد». علاوه بر این، سفر بی‌سر و صدای رئیس سرویس اطلاعات خارجی انگلیس (Mi6) به اراضی اشغالی و دیدارش با مقامات ارشد رژیم صهیونیستی در حدود ۱۰ روز پیش، خود به تنهایی نشانگر هماهنگی‌های تنگاتنگ میان لندن - تل‌آویو در مسأله درج نام حزب‌الله در لیست گروه‌های تروریستی، است.

یکی دیگر از جمله اهداف دولت انگلیس در درج نام حزب‌الله لبنان در فهرست گروه‌های تروریستی، مقابله و رویارویی با قدرت نظامی و برنامه موشکی پیشرفته این گروه محسوب می‌شود. دولت انگلیس در طول قریب به ۸ سال گذشته همواره در خط مقدم مخالفان حضور نظامی حزب‌الله لبنان در سوریه و همچنین دفاع این گروه از خود در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی ایستاده بوده است. دولتمردان انگلیس حضور نظامی و قانونی حزب‌الله لبنان در سوریه را نشأت گرفته از قدرت نظامی بالای این گروه می‌دانند و در عین حال، به خوبی دریافته‌اند که قدرت موشکی حزب‌الله در مقایسه با سال ۲۰۰۶ و جنگ ۳۳ روزه چندین برابر شده است. در حال حاضر حتی خود فرماندهان و مؤسسات مطالعاتی رژیم صهیونیستی به این واقعیت اذعان دارند که حزب‌الله لبنان بیش از ۱۵۰ هزار موشک در اختیار دارد که می‌تواند با آنها مواضع رژیم صهیونیستی در عمق اراضی اشغالی را هدف قرار دهد. اندیشکده صهیونیستی «جینسا» اذعان کرده که تعداد موشک‌های حزب‌الله در مقایسه با سال ۲۰۰۶ یعنی زمانی که این گروه به مقابله با تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه پرداخت، تقریباً ۱۰ برابر شده است. این در حالی است که طبق آخرین اخبار و گزارش‌ها، در صورت ظهور و بروز هرگونه جنگ جدید میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان، این گروه قادر است روزانه بیش از ۲ هزار موشک به سمت مواضع تل‌آویو شلیک کند. علاوه بر آنچه که گفته شد، سخنان حدود یک ماه پیش «سید حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان مبنی بر برخورداری این گروه از موشک‌های دقیق و نقطه‌زن نیز، رژیم صهیونیستی و متحدان غربی آن از جمله انگلیس را برآن داشت تا به هر نحوی روند رو به رشد قدرت نظامی و برنامه موشکی حزب‌الله لبنان را متوقف سازند. لذا بدون هیچگونه شک و تردید، اقدام اخیر دولتمردان انگلیس علیه حزب‌الله لبنان ارتباط مستقیمی با قدرت موشکی روزافزون آن دارد.